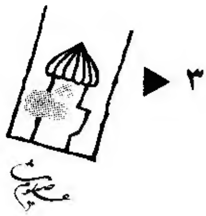


سر مقاله

مراکز حدیثی شیعه

یکم . تردیدی نیست که امروزه تاریخ، بستر تمامی مطالعات و پژوهش‌ها است . اگر تاریخ را پیش‌تر رشته‌ای در کنار سایر رشته‌ها تلقی می‌نمودند و تنها از آن، تبیین رخدادها و شرح احوال، آن هم در دایره‌ای محدود، انتظار می‌رفت، امروز مطالعه و تحقیق در حوزهٔ علوم، فرهنگ، تمدن و ادیان ارتباط وثیقی با تاریخ پیدا کرده است .

بر همین پایه، مطالعات و پژوهش‌های حدیثی و نیز علوم حدیثی مستثنا از این قاعده نیستند . تاریخ حدیث و تاریخ علوم حدیث را باید بسیار جدی گرفت؛ چه در پی دستیابی به حدیث به عنوان متون دینی و مقدس باشیم ـ که نگاه غالب و صحیح این است ـ و چه به عنوان میراث مسلمانان بدان نگریسته شود . به هر رو، آگاهی از تحولات و رخدادهای گذشته در درك و تصور درست از حدیث ضرورت دارد .

اگر به تاریخ حدیث و علوم حدیث به عنوان شاخه‌ای از خانوادهٔ علوم حدیث بنگریم، عرصه‌ها و قلمروهایی را در پیش رو داریم؛ مانند:

۱ . بررسی ادواری و زمانی رخدادهای حدیثی؛

۲ . بررسی مکانی و جغرافیایی رخدادهای حدیثی؛

۳ . بررسی جریان‌ها و منهج‌های حدیثی؛

۴ . بررسی منهج و روش محدثان؛

۵ . بررسی شخصیت و شرح حال محدثان و راویان؛

۶ . بررسی آثار و مکتوبات حدیثی؛

۷ . بررسی قومی و نژادی تلاش‌های حدیثی؛

۸ . بررسی جنسیتی تلاش‌های حدیثی (زنان و مردان) .



پژوهش در هر یک از این عرصه ها ضروری است و باید برای تدوین کامل تاریخ حدیث مورد اهتمام قرار گیرد.

گفتنی است در بیست سال اخیر، پژوهش هایی در این زمینه ها انجام گرفته که می توان از نمونه های زیر یاد کرد:

۱. بررسی ادواری و زمانی رخدادهای حدیثی

در میان اهل سنت می توان به این نمونه ها اشاره کرد:

- **دور المراة في خدمة الحديث في القرون الثلاثة الاولى**، آمال قرداش؛[۱]
- **جهود المراة في رواية الحديث في القرن الثامن الهجري**، صالح یوسف معتوق؛[۲]
- **السنة النبوية الشريفة في القرن السادس الهجري**، محمود ابراهیم الدیک؛[۳]

و در حوزه حدیث شیعه می توان از کتاب **پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه**، دکتر مجید معارف،[۴] و پایان نامه هایی چون: **تاریخ حدیث شیعه در عهد صفویه**[۵] و **تاریخ حدیث شیعه در عهد سلجوقیان**[۶] یاد کرد.

۲. بررسی مکانی و جغرافیایی رخدادهای حدیثی

در میان اهل سنت می توان به این آثار اشاره کرد:

- **مدرسة الحديث في البصرة**، د. امین قضاة؛[۷]
- **مدرسة الحديث في بلاد الشام**، محمّد بن عزوز؛[۸]
- **مدرسة الحديث في القيروان**، حسین بن محمّد شواط؛[۹]
- **حركة الحديث بقرطبه**، عبدالرحمن بن عتاب؛[۱۰]
- **اتجاة مدرسة الري في نقد الحديث النبوي**، کمال الدین عبدالغنی مرسی.[۱۱]

---

۱. دوحة: وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامية، ۱۹۹۹م/۱۳۷۸ش.

۲. بیروت: دارالبشائر الاسلامية، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م/۱۳۷۶ش.

۳. دبی: مکتوم، محمّد بن راشد، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م/۱۳۶۹ش.

۴. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۴ش.

۵. الیاس پوراکبر، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول دین، ۱۳۷۹ش.

۶. داود خلوصی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول دین، ۱۳۸۱ش.

۷. بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۱۹ق/۱۳۷۷ش.

۸. بیروت: دارالبشائر الاسلامية، ۱۴۲۱ق/ ۱۳۷۹ش.

۹. ریاض: دارالعالمية للكتاب الاسلامي، ۱۴۱۱ق/۱۳۶۹ش.

۱۰. مغرب: وزارت الاوقاف والشؤون الاسلامية، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۵۵م/ ۱۳۷۳ش.

۱۱. بی جا: دارالمعرفة الجامعية، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م.

و در حـوزه حدیث شـیعـه می توان از پایان نامـهٔ شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم، محمدرضا جباری یاد کرد.[۱۲]

۳. بررسی جریان ها و مناهج حدیثی

در این زمینه می توان به این آثار در زمینهٔ حدیث اهل سنت اشاره کرد:

- موقف المدرسة العقلیة و اثره من الحدیث النبوی الشریف، شفیق شقیر؛[۱۳]
- موقف المدرسة العقلیة من السنة النبویة، الامین الصادق الامین؛[۱۴]

و در حوزه حدیث شیعه می توان به آثاری چون:

- مصادر الاستنباط بین الاصولیین والاخباریین، محمّد عبدالحسین غراوی؛[۱۵]
- الفکر السلفی عند الشیعة الاثنا عشریة، علی الجابری؛[۱۶]
- مکتب تفکیک، استاد محمدرضا حکیمی،[۱۷] اشاره کرد.

۴. بررسی منهج و روش محدثان و راویان

در حوزه حدیث اهل سنت از این آثار می توان یاد کرد:

- الامام مسلم و منهجه في صحیحه، د. محمّد عبدالرحمن الطوالبة؛[۱۸]
- الامام ابو داود و کتابه السنن، د. محمّد الصباغ.

و در حـوزه حدیث شیعـه می توان کتـاب های **الکلینی و الکافی**، عبـدالرسول غـفار،[۱۹] و **الشیخ الکلینی البغدادی و کتابه الکافی**، ثامر هاشم حبیب العمیدی،[۲۰] را مورد اشاره قرار داد.

۵. بررسی شخصیت و شرح حال محدثان و راویان

در حوزه اهل سنت می توان به این آثار اشاره کرد:

---

۱۲. پایان نامهٔ دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹ش.

۱۳. بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م.

۱۴. ریاض: مکتبة الرشد، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م، ۲ ج.

۱۵. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ق/۱۳۷۱ش.

۱۶. قم: دار احیاء الاحیاء، ۱۴۰۹ق.

۱۷. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۱۸. عمان: دار عمار، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م.

۱۹. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق/۱۳۷۴ش

۲۰. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ق/۱۳۷۲ش.



سفیان بن سعید الثوری، محمّد بن مطر الزهرانی؛[۲۱]
شعبة بن الحجاج، عبدالملک بکر قاضی.[۲۲]
و در زمینه حدیث شیعه می توان از کتاب **معلی بن خنیس**، حسین ساعدی[۲۳] یاد کرد.

۶. بررسی آثار و مکتوبات حدیثی

در این زمینه می توان از کتاب **معرفة الصحف و النسخ الحدیثیة**، بکر بن عبدالله ابوزید، در حوزه حدیث اهل سنت[۲۴] و **میراث مکتوب شیعه**، سیدحسین مدرسی طباطبایی، ترجمه: سیدعلی قرائی ـ رسول جعفریان،[۲۵] در حوزه حدیث شیعه نام برد.

۷. بررسی نژادی و قومی تلاش‌های حدیثی

در این زمینه می توان از پایان نامه **نقش ایرانیان در تدوین و نشر حدیث تا پایان قرن چهارم** اثر خانم فاطمه تهامی یاد کرد.[۲۶]

۸. بررسی جنسیتی تلاش‌های حدیثی

در حوزه حدیث اهل سنت می توان از این آثار یاد کرد:
- **عنایة النساء بالحدیث النبوی**، ابی عبیدة مشهور بن حسن آسلمان؛[۲۷]
- **النساء المحدثات في العصر المملوکی**، د. امینه محمّد جمال الدین؛[۲۸]
- **جهود المرأة في روایة الحدیث في القرن الثامن الهجری**، صالح یوسف معتوق؛[۲۹]
- **دور المرأة في خدمة الحدیث في القرون الثلاثة الاولی**، آمال قرداش.[۳۰]

و در زمینهٔ مطالعات شیعی می توان از کتاب **محدثات شیعه** نوشتهٔ خانم دکتر نهله غروی نام برد.[۳۱]

---

۲۱. المدنیة النبویة: دار الخضیری، ۱۴۱۹ق.
۲۲. القاهرة: دارالزهراء، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
۲۳. قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳.
۲۴. الریاض: دارالرایة، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.
۲۵. قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ش.
۲۶. پایان نامه دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷ش.
۲۷. عربستان: دار ابن عفان، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م.
۲۸. مصر: دارالهدایة، ۱۴۲۳ق / ۲۰۰۲م، ۱۰۸ص.
۲۹. بیروت: دارالبنانه الاسلامیة، ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م، ۳۷۶ص.
۳۰. قطر: ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م، ۲۰۳ ص، ضمن مجموعه «کتاب الامة»، ش ۷۰.
۳۱. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵ش.



دوم. یکی از محورهای هفتگانه ـ که در اینجا از آن سخن می رود ـ مطالعهٔ جغرافیایی رخدادهای حدیثی است. در این مطالعه، یک حوزهٔ جغرافیایی مورد بررسی قرار می گیرد و به تحولات حدیثی در آن ظرف مکانی نگریسته می شود. از این گونه مطالعات می توان به عنوان مطالعه دربارهٔ «مراکز حدیثی» یاد کرد؛ مشروط بر آنکه تعدادی قابل توجّه از راویان از آن شهر برخاسته باشند، یا تعدادی قابل توجّه از آثار و مکتوبات حدیثی در آن شهر نگاشته شده باشد، یا حلقه های درسی مهم در آن برپا بوده است و یا یک تفکر تاثیرگذار در زمینه های حدیثی در آن شکل گرفته باشد.

با توجّه به آنچه یاد شد، زمانی می توان یک محل جغرافیایی را به عنوان «مرکز حدیثی» به شمار آورد که تعدادی از این شرایط را دارا باشد:

ـ وجود راویان و محدثان چشمگیر در آن محل و یا برخاسته از آن؛

ـ تدوین آثار حدیثی و علوم حدیثی چشمگیر در آن محل؛

ـ شکل گیری اندیشهٔ تاثیرگذار در آن ناحیه؛

ـ مدارس و حلقه های درسی معتنابه.

گفتنی است بسیاری از اوقات، این مقوله ها با هم شکل گرفته و تفکیک ناپذیرند. ناگفته پیداست که اگر در محلی فقط برخی از این عوامل حضور داشته باشند، باز هم می توان آن محل را «مرکز حدیثی» قلمداد کرد.

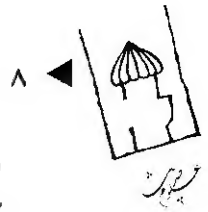
مطالعاتی از این دست، در بیست سال اخیر شکل گرفته، که به برخی از آنها اشاره شد.

اصطلاح«المدرسة»، در زبان عربی، برای این گونه مطالعات به کار رفته است؛ ولی در زبان فارسی گاه با عنوان «مراکز حدیثی» و گاه با عنوان «مکتب حدیثی» از آن یاد شده است.

باید توجّه داشت که مطالعه در یک حوزه جغرافیایی، با ویژگی های یاد شده، با مبحث جریان شناسی متفاوت است. در مطالعات عربی جریان شناسی را «الاتّجاهات» گفته اند و از مطالعات جغرافیایی به «المدرسة» تعبیر کرده اند؛ اما در زبان فارسی ـ که هنوز این گونه مطالعات رونقی نیافته، ابهام و تداخل اصطلاحات در آن مشهود است ـ به نظر می رسد اصطلاح «مکتب» برای مقولهٔ جریان شناسی و تعبیر «مرکز»، یا واژه ای دیگر برای مطالعات حوزه ای و جغرافیایی مناسب تر باشد.

البته روشن است که این دو مقوله از مطالعات تاریخیِ حدیثْ محور، قرابت و نزدیکی هایی باهم دارند، ولی دو مقوله اند و نباید آنها را یکی انگاشته، با هم خلط کرد؛ چرا که اتّجاه و جریان شناسی محدودیت جغرافیایی ندارد؛ به عنوان مثال، «مکتب اهل حدیث» یا «مکتب اخباری گری» یا «اتجاه سلفی گری» و ... گرچه از یک نقطهٔ جغرافیایی شکل می گیرند، لکن بدان محدود نیستند.

سوم. در بررسی یک مرکز حدیثی باید این موضوعات و محورها مورد مطالعه قرار گیرد:



۱. زمان شکل گیری و دوران فراز و فرود؛

۲. بسترها و علل تاریخی و فرهنگی شکل گیری؛

۳. محدثان و راویان؛

۴. آثار و مکتوبات (اعم از مفقود و موجود)؛

۵. ارتباط با دیگر مراکز حدیثی (اعم از مبادلات و منازعات)؛

۶. ویژگی ها و اختصاصات؛

۷. خاندان های برجسته؛

۸. حلقه های درسی و محله های ویژه از قبیل رباط، مسجد، دارالحدیث و ... .

چهارم. از آن رو که اطلاعات و مواد تاریخی این گونه مطالعات پراکنده اند، طُرُقی که باید در چنین پژوهش هایی از آنها بهره جست، عبارت اند از:

۱. مطالعه منابع و مصادر اختصاصی تاریخ آن مرکز و منطقه؛ در مثل، کسی که دربارهٔ قم مطالعه می کند، لازم است کتب نگارش یافته درباره این شهر را در ادوار گذشته ببیند.

۲. شناسایی روات و محدثان آن منطقه با توجّه به پسوند و القاب منسوب بدان شهر؛ در مثل، کسی که درباره مرکزیت حدیث شیعه در خراسان جست وجو می کند، باید به دنبال راویان و محدثان با لقب های بلخی، طوسی، نیشابوری، بیهقی، مروزی و ... باشد.

۳. مطالعه کتب رجال و تراجم روات و محدثان شناسایی شده، که از آن طریق سفرها، حلقه های درسی، کتب، آثار و روابط مشخص می گردد؛

۴. مطالعه روایات منقول توسط محدثان و راویان یاد شده؛ زیرا در ضمن مطالعهٔ آنها برخی از نکته های راهگشا یافت می گردند؛

۵. جست وجو در روایات معصومان جهت استخراج دیدگاه آنان نسبت به آن مرکز یا راویان و محدثان آن منطقه.

پنجم. آنچه بررسی های اولیه و مشهور در زمینه تاریخ حدیث شیعه نشان می دهد، این است که از قرون اولیه تا دوران معاصر، این مراکز بیشترین تاثیر را در حفظ و نشر حدیث شیعه داشته اند:

۱. مدینه، ۲. کوفه، ۳. بغداد، ۴. ری، ۵. قم (تا قرن چهارم و دوران معاصر)، ۶. خراسان، ۷. اصفهان، ۸. حله، ۹. نجف، ۱۰. بحرین.

به یاری خداوند در نوشتاری دیگر، این بحث تکمیل خواهدشد تا این موضوع مورد توجّه پژوهشگران حدیثی قرار گیرد و با تتبع و تحلیل عمیق، بسیاری از مسائل مبهم کشف گردد.

سردبیر